

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۸، سال دوم، مارس ۲۰۰۱
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

زمان سخن خواهد گفت!

آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد» (غلاطیان ۶:۷).
زمان به روش خاص خود سخن می‌گوید. آنگاه که سخن
بگوید، در باره شما چه خواهد گفت؟

هنگامی که باستانشناسان، شهر باستانی پومی در ایتالیا را
که در اثر آتشفشان زیر خاک رفته بود، از زیر خاک بیرون
می‌آوردند، پیکر سربازی را یافتند که هنوز خبردار در محل
نگهبانی خود ایستاده بود. وقتی خاکستر سوزان و سرخ‌فام
آتشفشان شهر را می‌پوشانید، سرباز پا به فرار نگذاشته بود؛ او
استوار در محل خدمت خود باقی ماند. زمان سخن گفت و
وفاداری او را آشکار ساخت! زمان در باره شما چه چیزی را
آشکار خواهد کرد؟

زمان آشکار خواهد ساخت که
من و شما با اموال خود چه کردیم.
هر بار که خانه‌ای را می‌بینم که
ظاهری درهم و رو به ویرانی دارد،
خانه را ملامت نمی‌کنم، بلکه
صاحبش را که به خانه رسیدگی
نکرده است.

زمان آشکار خواهد ساخت که من و شما با روابطمان چه
کرده‌ایم. زمان خواهد گفت که تا چه حد به همسر خود متعهد
بوده‌ایم و تا چه میزان نیازهایش را درک کرده و برآورده
ساخته‌ایم. زمان خواهد گفت که چه نوع پدر یا مادری بوده‌ایم و
اینکه فرزندانمان ما را دوست داشته و احترام کرده‌اند یا نه.

فقط زمان خواهد گفت که شما چه نوع فردی خواهید شد، چرا
که شخصیت انسان در طول زمان شکل می‌گیرد. انتخاب‌های ما

عادت‌هایمان را شکل می‌دهند و عادت‌هایمان شخصیت ما را.
پولس رسول این را به خوبی می‌دانست و از اینرو نوشت: «به
امید جلال خدا فخر می‌نماییم، و نه این تنها، بلکه در مصیبت‌ها
هم فخر می‌کنیم چونکه می‌دانیم مصیبت صبر را پیدا می‌کند و
صبر امتحان را» (رومیان ۵: ۲-۳).

همزمان با آغاز سال نو، مناسب است که تعلیم کتابمقدس را
در باره زمان مرور نماییم. در زبان یونانی، برای زمان دو کلمه
به کار می‌رود. یکی «کرونوس» است که کلمه کرونومتر از آن
مشتق می‌شود. این واژه بر زمان خطی دلالت دارد، زمانی که
ابتدایی دارد و انتهایی. عالم هستی را خدا آفرید و زمان را نیز؛
اما روزی بساط تاریخ را برچیده،

زمان را به پایان خواهد رساند. بر
روی این خط، به هر یک از ما
قسمتی داده شده، و ما در مورد آن
پاسخگو هستیم. پولس رسول
می‌فرماید: «پس با خبر باشید که
چگونه به دقت رفتار نمایید، نه

چون جاهلان بلکه چون حکیمان؛ و وقت را دریابید زیرا این
روزها شریر است» (افسیان ۵: ۱۵-۱۶). خواست خدا این است
که مباشرین و ناظران امینی در امر وقت باشیم. عمر ما بسیار
شبيه به آسانسور است. خدا به هر یک از ما چند طبقه (سال)
عطا کرده، و هر سال شبیه به پیاده شدن در یک طبقه جدید است.
ارزش زندگی ما به این نیست که چند طبقه را پیموده و بازدید
کرده‌ایم، بلکه به این است که در هر طبقه چه کرده‌ایم. زمان قطعاً
در این باره سخن خواهد گفت. (بقیه در صفحه ۱۲)

انتخاب‌های ما عادت‌هایمان را شکل می‌دهند و عادت‌هایمان شخصیت ما را

سرسخن

مطالب این شماره:

- زمان سخن خواهد گفت
(تت استیوارت) ص ۱
- مسح الهی و اهمیت آن
در خدمت خادم
(ادوارد هوسپیان) ص ۳
- کلیسای هدفمند (بخش ۵)
(سارو خاچیکیان) ص ۴
- سؤالی شغف‌انگیز
(اد یگر) ص ۵
- موعظه کتاب مقدسی (بخش سوم)
(تت استیوارت) ص ۷
- تریبون آزاد ص ۹
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شَبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

خوانندگان گرامی،

در این واپسین روزهای زمستان، هر کجا که باشید، دعای من این است که مجله شَبان شما را دلگرم کرده، شوق خدمت به مسیح و کلیسایش را در دلتان فروزانتر سازد. اکنون در حالیکه پشت میز کار خود نشسته، و این مقاله را می‌نویسم، می‌توانم چهره بسیاری از شما عزیزان را بینم و آرزو کنم که کاش فاصله من و شما اینقدر زیاد نبود و می‌توانستیم تماس شخصی بیشتری داشته باشیم. اما همینکه از طریق شَبان با یکدیگر در ارتباطیم، تسلی می‌یابم. از همه دوستانی که با من تماس گرفته‌اند و برکاتشان را از مجله بازگو کرده‌اند، سپاسگزارم. اگر به ای میل دسترسی دارید، می‌توانید از این طریق نیز با من تماس بگیرید و بگویید که کدام مقالات بیشتر مفید بوده، و در چه زمینه‌های دیگری مایلید ما مقالاتی منتشر کنیم. نشانی ای میل من در ستون سمت چپ درج شده است.

بسیار خوشوقتیم که در این شماره، مقاله‌ای از کشیش ادوارد هوسپیان، ناظر کلیساهای جماعت ربانی ایران منتشر می‌کنیم. همه ما به ایشان به‌عنوان رهبر مسح‌شده کلیسای ایران می‌نگریم. خواهش می‌کنیم که ایشان و کلیساهای ایران را در دعا‌های خود به حضور خدا بیاورید. همچنین، با شادی فراوان مقاله‌ای از برادر اد یگر داریم. ایشان سالهای متمادی کلیسای مسیح را در ایران خدمت کردند و پس از آن نیز در کنفرانسهای بسیاری در آمریکا کلام خدا را تعلیم داده‌اند. دعا می‌کنیم که نوشته‌های این مردان خدا باعث برکت شما گردد.

یادآوری می‌کنیم که مجله شَبان با قدمی مبتنی بر ایمان منتشر می‌شود و ادامه انتشار آن وابسته است به هدایای شما. لذا در صورتی که در توانتان هست، بسیار سپاسگزار خواهیم شد که هدایای خود را برای ما ارسال کنید. در صورت ارسال چک، آن را به نام TALIM Ministries صادر بفرمایید.

همچنین تشویقتان می‌کنیم که در صورت نیاز، مقالات مجله را خودتان کپی کرده، به افرادی که صلاح می‌دانید بدهید تا در هزینه‌های ما صرفه جویی شود.

و در خاتمه، از آنجا که شماره آینده مجله در ماه آوریل منتشر خواهد شد، از هم‌اکنون عید نوروز را از طرف تمام دست‌اندرکاران مجله به همگی شما تبریک عرض می‌کنم. خداوند همگی شما را برکت دهد.

تت استیوارت

سردبیر

مسح الهی

و اهمیت آن در خدمت خادم



نوشته کشیش ادوارد هوسپیان

دعوت کلی و عمومی

هر فرد ایماندار دعوت شده است که پیرو مسیح و شاهد او باشد. خداوند ما عیسی مسیح تساک است و هر ایماندار جزو شاخه‌های او می‌باشد و باید برای خداوند ثمر بیاورد (یوحنا ۱۵:۱-۸). فرمان بزرگ مسیح برای بشارت و صید جانها و شاگردسازی شامل همه مسیحیان واقعی در سراسر عالم می‌باشد (متی ۱۹:۲۸ و مرقس ۱۶:۱۵).

اما در کنار دعوت عمومی، ما در کلام خدا با یک دعوت اختصاصی نیز روبرو می‌شویم که مخصوص کسانی است که به‌طور خاص برای یک خدمت خاص نظیر موعظه، بشارت، تعلیم، کار شبانی، رسالت برای تأسیس کلیسا، مدیریت و خدمات دیگر روحانی مسح و دعوت خاصی دارند. قبل از اینکه بخواهم درباره مفاهیم مسح الهی در چندین مبحث مطالبی را با شما خادمین گرامی در میان بگذارم، نظر شما را به چند آیه کتابمقدس در رابطه با مسح الهی جلب می‌نمایم تا باعث تشویق و دلگرمی ما گردد و نیز اهمیت مسح و دعوت الهی را در خدمت به خدا درک کنیم.

دعوت و مسح مخصوص الهی

● رومیان ۱۴:۱۰ و ۱۵ می‌فرماید: «چگونه

هر فرد ایماندار دعوت شده است که پیرو مسیح و شاهد او باشد. اما در کنار دعوت عمومی، در کلام خدا با یک دعوت اختصاصی نیز روبرو می‌شویم که مخصوص کسانی است که به‌طور خاص برای یک خدمت خاص دعوت خاصی دارند.

بشنوند بدون واعظ و چگونه وعظ کنند جز آنکه فرستاده شوند.»

تأکید این کلام بر این دو کلمه می‌باشد: «فرستاده شوند» و در اینجا در رابطه با خدمت وعظ می‌باشد. شاید یک نفر ناطق و سخنران بسیار ماهری باشد، خیلی زیبا موعظه کند، از تمام اصول و فنون سخنرانی آگاهی داشته باشد، در موقع صحبت کردن تیق نزند و مکث نکند، و حتی آنقدر بر موعظه خود تسلط داشته باشد که بتواند بدون داشتن نت و جزوه نیز موعظه کند، ولی از طرف خدا برای خدمت موعظه فرستاده نشده باشد. بنابراین صرفاً ارائه یک سخنرانی خوب، دلیل بر داشتن دعوت الهی نیست. مهم این است که شخص برای خدمت موعظه از طرف خدا پیام مخصوصی داشته باشد و مسح الهی بر موعظه

او حاکم باشد و پیغام او با قلب مردم صحبت کند. امروزه نیاز مردم به واعظینی با موعظه‌های آمیخته با مسح الهی می‌باشد.

● در یوحنا ۱۶:۱۵ چنین می‌خوانیم: «شما مرا برگزیدید بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند...»

تأکید خداوند بر عبارت «من شما را برگزیدم» می‌باشد، زیرا قدم نخست را خود خداوند برداشته است. عیسی مسیح شاگردان خود را شخصاً انتخاب نمود و آنان را برای انجام خدمت مخصوص تربیت کرد. خداوند ایشان را برای چه برگزید؟ برای میوه آوردن و نگهداری آنها (صید جانها و شاگردسازی). چه افتخار و نعمت بزرگی است که خدا کسی را برای چنین خدمت مهمی برگزیند. آیا شما خود را جزو برگزیدگان خدا می‌بینید؟ مردان خدا اغلب خود را در مقابل دعوت الهی عاجز و ناتوان می‌دیدند، ولی خدا همیشه به آنها یادآوری می‌کرد که به خودشان نگاه نکنند بلکه به دعوتی که او از آنها به عمل آورده بود توجه کنند.

● عبرانیان ۴:۵ چنین می‌فرماید: «و کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد مگر وقتی (بقیه در صفحه ۸)

کلیسای هدفمند

اهداف مشخص کلیسا

بخش پنجم

از کشیش سارو خاچیکیان

در شماره ششم مجله، چهار مرحله مهم کلیسای هدفمند را به شرح زیر، متذکر شدیم:

- ۱- اهداف کلیسا را مشخص کنید؛
- ۲- اهداف را با اعضای کلیسا در میان بگذارید و آنها را به طور مرتب به ایشان گوشزد نمایید؛
- ۳- کلیسای خود را بر اساس این اهداف سازمان دهید؛
- ۴- این اهداف را در همه بخشهای کلیسایتان به کار گیرید.

اینک به شرح دو مرحله اول می پردازیم و دو مرحله آخر را در شماره آتی بررسی خواهیم کرد.

اهداف کلیسا را مشخص کنید

کلیسای زنده و فعال نمی تواند بدون هدف باشد. برای داشتن هدف باید عهد جدید را بررسی کرد. و چه بهتر که این کار را همراه اعضای کلیسا انجام دهیم. برای این منظور، توصیه می شود به نکات مهم زیر توجه کنید:

- به خدمت مسیح بر زمین نگاه کنید.
- به واژه ها و نمادهایی که برای کلیسا به کار رفته توجه کنید: بدن، عروس، خانواده و غیره.
- کلیساهای نمونه در عهد جدید را بررسی

کنید: کلیسای فیلیپی، تسالونیکی ...

- به فرمان مسیح در متی ۱۶: ۱۸ که فرمود: «کلیسای خود را بنا می کنم» توجه کنید. بی شک مسیح هدف ویژه ای برای کلیسایش داشت.

اگر می بینید در کلیسایتان برنامه و فعالیت هست که به هیچ یک از این پنج هدف کمک نمی کند، توصیه می کنیم آن را حذف کنید!

چگونه هدف را مشخص کنیم

کار ما ابداع هدف برای کلیسا نیست، بلکه کشف آن است. برای این منظور چند کار باید انجام داد:

- ۱- پاسخهایی برای این پرسشها بیابید: (الف) فلسفه وجودی کلیسا چیست؟ چرا باید کلیسایی باشد؟
- (ب) ما به عنوان کلیسا که و چه هستیم؟
- (پ) ما به عنوان کلیسا چه باید بکنیم؟ خدا از ما چه می خواهد؟

(ت) چگونه باید این کار را بکنیم؟

- ۲- پاسخ این پرسشها را بیابید و بر روی کاغذ بنویسید.
- ۳- پاسخها را در یک جمله خلاصه کنید. این می شود هدف کلیسایتان در یک جمله. مهم است آن را بتوانید در یک جمله بنویسید زیرا اعضای کلیسا راحت تر می توانند آن را تکرار کنند و به خاطر بسپارند.

پنج هدف کتاب مقدسی

باید این هدف را به گونه ای بنویسید که با کتاب مقدس سازگار باشد، واضح و روشن باشد، قابل انتقال به همه اعضا باشد، و بتوان آن را ارزیابی کرد.

اگر می خواهید هدف کلیسایتان با کتاب مقدس سازگار باشد، بهترین روش این است که آن را بر اساس متی ۲۲: ۳۷-۴۰ و متی ۲۸: ۱۹-۲۰ بنویسید، زیرا در این آیات گفتار مهم عیسی را در این مورد می توان یافت.

- «خداوند خدای خود را با همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما... همسایه خود را مثل خود محبت نما. بدین دو حکم، تمام تورات و صحف انبیا متعلق است.» (ادامه در ص ۶)

سؤالی شغف‌انگیز در یک نامه



نوشته‌ی اد یگر

بیرون شهر کرمانشاه در ایران زندگی می‌کردم، پاسخ این سؤال را کشف کردم. و چقدر در این سالها خواستار آن بودم که کسی این اطلاعات را از من بخواهد. نشستم و جوابش را دادم. پاراگراف‌های زیر متن پاسخ من به آن خانم است.

سریع رشد و نمو می‌کنند. این شاخه‌ها برای کارهای مفید زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از این کارها، این است که نزدیک تنه درخت در جایی که شاخه شروع می‌شود، تناب محکمی می‌بندند. چون شیره درخت دیگر قادر نیست در شاخه جاری شود، یک برآمدگی زمخت در آنجا به وجود می‌آید. چوب اطراف این برآمدگی مثل آهن، سنگین و سفت می‌گردد. وقتی به اندازه دو مشت رسید، آن را از درخت جدا می‌کنند. این شاخه که تقریباً یک متر درازا دارد، اکنون شبیه به یک تبرزین مهلک قدیمیان شده است. من شاهد بودم که چگونه اینها را می‌ساختند و بعد دیدم که مقابل یک دشمن چه نتیجه‌ای به دست می‌آوردند.

کلمه‌ای که در مزمو ۲۳ برای عصا بکار رفته، در زبان عبری «شیبات» است و در فرهنگ عبری به این معنی است: «چماقی که از شاخه درخت ساخته می‌شود». با این چنین اسلحه‌ای بود که داود یک شیر و یک خرس را کشت (اول سموئیل ۱۷: ۳۴-۳۶) و گوسفندان خود را از خطر حفظ کرد.

(بقیه در صفحه ۹)

بیرون شهر کرمانشاه در ایران زندگی می‌کردم، پاسخ این سؤال را کشف کردم. و چقدر در این سالها خواستار آن بودم که کسی این اطلاعات را از من بخواهد. نشستم و جوابش را دادم. پاراگراف‌های زیر متن پاسخ من به آن خانم است.

پاسخ به سؤال

خانم فرن (Fran) سلام عرض می‌کنم. من موقعی که در دهی در خاورمیانه (یعنی در ایران) زندگی کردم، چه تجربیات عالی و فراموش نشدنی‌یی بسدست آوردم. در آنجا بنده معنای بسیاری از وقایع و داستانهای کتابمقدس را دست اول یاد گرفتم. در همان جا بود که من مقصود عصا و چوبدستی یک شبان در زمان داود (و نیز در زمان خودمان) را فهمیدم.

عصا: تبرزینی مهلک!

در خاورمیانه در کنار آبهای روان، درختها می‌رویند و معمولاً تنه قشوری دارند و تا دو متر بلندند. در قسمت بالای این تنه، شاخه‌های فراوان به هر طرف می‌روید. اینها ممکن است درخت تبریزی یا درخت بید باشند که خیلی

۴۰ سال انتظار برای یک سؤال! دو هفته پیش یک نفر از من سؤالی پرسید و خدا شاهد است که این یک سؤالی بود که مدت ۴۰ سال من منتظر بودم کسی از من بپرسد.

من و همسرم در کلیسا نشستیم؛ عبادت صبح نزدیک بود شروع شود که خانمی جلو آمد و پاکتی به من داد و گفت: «این هفته که کلام خدا را مطالعه می‌کردم، سؤالی برایم پیش آمد و فکر می‌کردم که حتماً آقای یگر می‌تواند جوابش را بدهد. سؤال من داخل این پاکت است. خواهش می‌کنم وقتی که به خانه رسیدید، آن را باز کنید و ببینید که آیا می‌توانید جوابش را بدهید یا نه.»

سؤال چه بود؟

ناگفته نماند که خیلی کنجکاو شدم تا بدانم سؤالش چه بوده. سؤالش این بود: «در مزمو ۲۳ وقتی داود می‌فرماید که عصا و چوبدستی تو مرا تسلی می‌دهد، مقصودش چیست؟ چگونه یک عصا و چوبدستی آدم را تسلی می‌بخشد؟»

خواستم یک فریاد «هللویا» به آسمان بفرستم. ۴۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۶۰ میلادی، موقعی که در دهات «فرمان»

(دنباله صفحه ۴)

۱- پرستش خدا همراه با جشن و شادی و احساس حضور او؛

۲- موعظه کلام خدا از طریق بشارت؛

۳- تشکیل خانواده خدا از طریق مصاحبت و مشارکت؛

۴- آموزش قوم خدا از طریق شاگردسازی؛

۵- اشاعه و نمایان ساختن محبت خدا از طریق خدمات کلیسایی.

این را به یاد بسیارید که اگر اهداف کلیسایان را پیوسته از طریق موعظه و غیره به گوش اعضا یان نرسانید، پس از مدتی فراموش می شود. باید آنقدر آن را تکرار کنید که جزو وجود اعضای کلیسا شود.

اگر می بینید در کلیسایان برنامه و فعالیتی هست که به هیچ یک از این پنج هدف کمکی نمی کند، توصیه می کنیم آن را حذف کنید! بجای اینکه به فکر رشد کلیسا از طریق برنامه های موجود باشیم، بهتر است توجه خود را به رشد مردم از طریق مراحل که یاد شد معطوف داریم. کلیسایی که هدف مشخص نوشته شده داشته باشد، پویاست و می تواند مردم را هدایت کند.

اهداف را با اعضا در میان بگذارید

در کتاب نحیامی بینیم که چگونه قوم خدا که مشغول بنای دیوار اورشلیم بودند، آن را نیمه کارها می کنند، چرا که دلسرد شده بودند.

● «پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام، حفظ کنند.»

در این دو گفتار مسیح، پنج نکته مهم مشاهده می شود که می تواند بهترین اهداف کلیسا را تشکیل دهد:

۱- خداوند خدای خود را با همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر محبت نما. واژه ای که این هدف را نمایان می سازد، «پرستش» است.

۲- همسایه خود را مثل خود محبت نما. این اساس «خدمت» کلیسا باید باشد. آیا در کلیساهای ما چنین خدمتی انجام می گیرد؟

۳- بروید و شاگرد سازید. این به «بشارت» اشاره دارد. آیا افراد جدید به کلیسا اضافه می شوند؟

۴- تعمید دهید. چرا تعمید تا این حد مهم است که در فرمان بزرگ مسیح آمده؟ احتمالاً چون نشانه مصاحبت و مشارکت مسیحی است. تعمید ما را با بدن مسیح پیوند می دهد و احساس تعلق می بخشد. ما نه تنها ایمان بلکه تعلق نیز باید داشته باشیم!

۵- ایشان را تعلیم دهید. واژه ای که برای این هدف بکار می بریم، «شاگردسازی» است. کلیسا بدین منظور ایجاد می شود که به قوم خدا آموزش دهد.

کار کلیسای هدفمند

با توجه به این پنج هدف کتاب مقدسی، کار کلیسای هدفمند چنین خواهد بود:

متأسفانه همین وضع امروزه در بسیاری از کلیساها نیز موجود است. بهترین طریق جلوگیری از این حالت، این است که هدف و دید کلیسا را دائم به اعضا یادآور شویم. کافی نیست بگوییم کلیسای ما هدف دارد. وظیفه ما رهبران این است که آن هدف را با اعضا در میان بگذاریم. این کار را به چند طریق می توان انجام داد:

(۱) تعلیم کلام خدا: از کتاب مقدس نشان دهید که هدف شما درست است.

(۲) نماد: از نمادها، نمودارها و سمبلها استفاده کنید.

(۳) شعار: تکرار شعارهای مناسب و دلپسند کمک زیادی می کند.

(۴) داستان: تعریف داستانهایی از زندگی ایمانی اعضای کلیسا، باعث تحکیم اهداف کلیسا می شود. داستانهایی را بکار ببرید که به نحوی پنج هدف کلیسا را نمایان می سازد.

(۵) جزییات: همیشه جزییات مربوط به انجام هدفها را با بیانی روشن و روشنی ملموس شرح دهید. هدفی که قابل اجرا نباشد به درد نمی خورد. هدف باید عملی باشد.

در خاتمه، این را به یاد بسیارید که اگر اهداف کلیسایان را پیوسته از طریق موعظه و غیره به گوش اعضا یان نرسانید، پس از مدتی فراموش می شود. باید آنقدر آن را تکرار کنید که جزو وجود اعضای کلیسا شود.

در شماره آینده، دو مرحله سوم و چهارم را بررسی خواهیم کرد، یعنی سازمان دادن کلیسا بر حسب این اهداف، و به کار گیری آنها در همه بخشهای کلیسا.

موعظه‌ای که زندگی را دگرگون می‌سازد!

از کشیش تیت استیوارت

نحوه آغاز موعظه خود را با یک موضوع واقعی از زندگی روزمره یا با مشکلی که باعث کشمکش در زندگی افراد می‌شود، آغاز کنید. از همان جایی آغاز کنید که مردم در آن قرار دارند. مگر عیسی در اناجیل همین کار را نمی‌کرد؟ برای مثال، فرض کنید که می‌خواهید در باره ماجرای ایلیا و انبیای بعل (اول پادشاهان ۱:۱۹-۲۱) موعظه کنید. حال به نظر شما کدام بهتر است: اینکه موعظه را با تعلیم کتاب مقدس در باره ایلیا و پیروزی بزرگ او در کوه کرمل شروع کنید؟ یا با چنین سؤالی: «آیا تا به حال اتفاق افتاده که چنان نومید شده باشید که دیگر نخواهید زندگی کنید؟» طبعاً شروع موعظه با این سؤال قطعاً توجه همه شنوندگان را جلب خواهد کرد، چرا که هر کسی در مقطع خاصی از زندگی خود در شرایطی قرار گرفته که دیگر میلی به زنده ماندن نداشته است. پس از بیان این سؤال، می‌توانید تجربه (بقیه در صفحه بعد)

رنجها و مشکلاتشان شریک بوده باشد. اما در ضمن باید بدانند که چگونه موعظه‌ای تهیه کنند که وسیله‌ای باشد در دستان خدا برای انتقال امید و فیضش به مردمان رنج دیده.

پیام واعظ باید به زندگی شنوندگانش ارتباط داشته باشد. واعظ باید پلی باشد که کلام خدا را به زندگی افراد مرتبط سازد. شنونده باید فوراً احساس کند که آنچه از منبر گفته می‌شود، به او و شرایط زندگی‌اش مربوط است.

طرح کلی یک موعظه خوب
در اینجا چارچوبی ارائه می‌دهیم که با الگوگیری از آن، می‌توانید موعظه‌ای تهیه کنید که توجه شنوندگانتان را جلب کند و به ایشان نشان دهد که خدا برای زندگی‌شان چه نقشی یا راه‌حلی دارد.

موعظه خوب کدام است

موعظه خوب باعث تغییر زندگی و رشد کلیساهای سالم می‌گردد. هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی‌تواند رابطه خادم را با خدا نشان دهد؛ هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی‌تواند قلب و فکر کلیسا را به سوی خدا برافرازد.

در شماره گذشته، ضرورت موعظه کلام خدا را توسط واعظ بررسی کردیم. اگر موعظه‌ای این «نان حیات» را به مردم نهد، هیچ ثمره ماندگاری نخواهد داشت. اما برای اینکه ثمره‌ای حاصل شود، پیام واعظ باید به زندگی شنوندگانش ارتباط داشته باشد. واعظ باید پلی باشد که کلام خدا را به زندگی افراد مرتبط سازد. شنونده باید فوراً احساس کند که آنچه از منبر گفته می‌شود، به او و شرایط زندگی‌اش مربوط است. او باید میان مشکلات خود و فیض خدا در عیسی مسیح ارتباطی احساس کند.

اما اگر واعظ می‌خواهد که چنین پلی باشد، باید شنوندگان خود را بشناسد و در

(دنباله صفحه قبل)

خودتان را با شنوندگان در میان بگذارید و بعد بگویید که در کتابمقدس نیز افراد برجسته‌ای بوده‌اند که در چنین شرایط سختی قرار گرفته‌اند.

درس از کتابمقدس

پس از ایجاد ارتباطی اینچنین با شنوندگان خود، توجه ایشان را به کتابمقدس جلب کنید تا بدانند که خدا در باره شرایط سختشان چه می‌گوید. می‌توانید بگویید که مرد خدایی بود که درست همان احساس شما را نسبت به زندگی داشت، و بعد اول پادشاهان ۴:۱۹ را قرائت کنید. به این ترتیب، میان متن کتابمقدس و زندگی شنوندگانتان پلی ایجاد کرده‌اید. به‌هنگام بررسی دقیق متن، می‌توانید نکات مهمی را در موعظه‌تان بگنجانید، نظیر این دو نکته: ما در «واقعی»

بیشتر آسیب‌پذیر هستیم که موفقیت‌هایی به‌دست آورده‌ایم؛ «وسیله» آسیب‌رسانی و نومییدی نیز گفته‌های نیش‌دار و تهدیدهای دیگران می‌باشد.

در متن کتابمقدس پلی طبیعی هست که نشان می‌دهد ایلیا چگونه توانست از نومییدی خویش رهایی یابد. می‌توانید از شنوندگان خود بخواهید که این پل را همراه با شما کشف کنند. در خود متن، چارچوبی طبیعی به‌شرح زیر می‌یابید:

۱- (آیات ۴ تا ۸): خدا ایلیا را فرا خواند تا بیاساید. وقتی خسته و درمانده‌ایم، امید خود را از دست می‌دهیم و بیشتر در معرض نومییدی قرار می‌گیریم.

۲- (آیات ۹ تا ۱۴): خدا او را به‌سوی خود فرا خواند. دور شدن از مشارکت با خدا، باعث نومییدی می‌گردد.

۳- (آیات ۱۵ تا ۱۸): خدا او را فرا خواند تا خدمتش را از سر گیرد. وقتی از خدمت

خود دور می‌مانیم، بیشتر مأیوس و ناامید می‌شویم.

کاربرد برای امروز

اکنون که شنوندگان خود را به دنیای کتابمقدس برده‌اید، نباید ایشان را در همانجا باقی بگذارید. باید ایشان را به واقعیات زندگی امروزی باز گردانید، به نومییدیها و یأس‌های خودشان. باید بر اساس تعلیمی که از کتابمقدس دادید، ایشان را به‌سوی پیام کتابمقدس و امیدی که در آن نهفته است هدایت کنید. شاید مناسب بدانید که موعظه خود را با چنین سؤالی پایان دهید: «آیا می‌خواهید در چنگال امواج متلاطم نومییدی باقی بمانید؟ یا مایلید صدای خدا را بشنوید و به‌سوی عیسی مسیح، این آرامی و امید الهی، بیایید؟»

معرفی کتاب

و ورود به خدمت کلیسا، رنجها و مشقات دوران انقلاب، و مصائب دوره جلالی وطن می‌باشد. این کتاب ضمن ارزش تاریخی که برای مسیحیت ایران دارد، بیانگر احساسات عمیق نویسنده نسبت به فرهنگ ایرانی می‌باشد. این کتاب به انگلیسی نیز ترجمه شده است.

برای آگاهی بیشتر در زمینه آثار اسقف دهقانی و ابتیاع آنها، می‌توانید با این نشانی تماس بگیرید:

SOHRAB BOOKS
1, CAMBERRY CLOSE
BASINGSTOKE
HANTS, RG21 3AG
ENGLAND

پاسخها»، «بهای محبت»، و «گرانباری و آرامی» اشاره کرد.

اسقف دهقانی به‌علت ذوق وافری که در شعر و ادب فارسی دارند، کتابی تحت عنوان «رنج الهی» نیز نگاشته‌اند که حاوی گفته‌ها و ترجمه‌ها و اقتباس‌های شعری ایشان ظرف مدت بیست سال می‌باشد.

در سالهای اخیر، اسقف دهقانی اثری در سه جلد تحت عنوان «مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان» به رشته تحریر در آورده‌اند. در این سه مجلد، تاریخ مسیحیت در ایران، و مسیح و مسیحیت در اشعار کلاسیک و مدرن ایران بررسی شده است.

آخرین اثر منتشره اسقف دهقانی، کتابی است به نام «یک چاه و دو چشمه: از تفت تا وینچستر» که شهر حال نویسنده از زمان تولد، دوره تحصیلی

در شماره پیشین، ضمن درج تبریک اسقف دهقانی تفتی به‌مناسبت کریسمس و سال نو مسیحی، قطعه شعری از ایشان به‌چاپ رساندیم و قول دادیم که در این شماره به معرفی برخی از آثار ایشان بپردازیم.

همانطور که در شماره گذشته متذکر شدیم، اسقف دهقانی علاوه بر عهده‌داری خدمات سنگین کلیسایی، قلم‌توانایی نیز دارند. ایشان چندین اثر در معرفی مسیحیت به ایرانیان نوشته‌اند. ویژگی برجسته نوشته‌ها و تألیفات ایشان در این است که در کنار ارائه فلسفه تجسم و صلیب و کفار و قیام مسیح، از اشعار کلاسیک و مدرن فارسی برای تبیین و تشریح این آموزه‌ها سود جستند، کاری که در آثار مسیحی فارسی امری بکر می‌باشد. از میان این آثار، باید به «ترانه ناقوس»، «پرسشها و

(دنباله صفحه ۵)

چوبدستی: ابزار نجات گوسفندان!
چوبدستی را نیز از همان درخت می ساختند. شاخه درازی را به طول حدود سه متر می بریدند و نوک آن را در زیر آب برای مدت چند روز می گذاشتند. چون نرم شد، آن را خم کرده، با تناب به یک

شکل بخصوص و به اندازه درست در می آوردند. سر چوب که اینک خمیده و به صورت نیم دایره در آمده، می بایست کمی از سر گوسفند تنگتر باشد. در صورتی که گوسفند در شکاف زمین یا پرتگاهی بیفتد، شبان با چوبدستی (عصای سر کج) آهسته گردنش را می گیرد و بلندش می کند.

«چماقت و عصای سر کج تو مرا راحت خاطر می سازد.»
آمین! شبان ما با چماقتش ما را از خطرات حفظ می فرماید و ما را با عصای سر کج خود، از کج روی ها و خطاهایمان رهایی می بخشد.

تربیبون آزاد

خوانندگان مجله با نامه های خود باعث تشویق و دلگرمی ما می شوند. در تربیبون آزاد این شماره، خلاصه متن دو نامه را بدون ذکر نام نویسندگانشان درج می کنیم.

من یک امر غیرممکن بود. از او خواستم تا در غیابش از یک واعظ بخواهد تا به جای او موعظه کند. ولی ایشان نپذیرفت و گفت که ما باید این کار را انجام دهیم.

نامه نخست:

خداوند به من قدرت موعظه داد من ک. هستم و تقریباً ۱۳ ماه قبل به قصد پناهندگی به (...) آمدم. یک سال قبل در کمال ناباوری، خداوند مرا برای خدمت به کار گرفت و من به اتفاق دو نفر دیگر از برادران توسط شبان وقت جلسات فارسی زبان کلیسا، به عنوان هیأت رهبری انتخاب شدیم. وقتی ایشان در تدارک تعطیلات تابستانی بودند، به ما سه نفر گفتند که در غیاب ایشان هر یک از ما باید دو موعظه بکنیم. این برای

در همان زمان بود که این مجله، یعنی «شبان» به دستم رسید و احساس کردم که خداوند به من قدرت موعظه را داد و مرتب دعا کردم و از روح القدس خواستم تا این توان را به من بدهد و دهان مرا پر از کلام کند. روح القدس هم این کار را انجام داد و به فیض عیسی مسیح، من دو بار موعظه کردم. این شهادتی بود برای جلال نام خداوند.

در ماه گذشته نیز شهادت خواهر تاکوش در مورد بخشش را در کلیسا خواندم و تأثیر زیادی در بین اعضاء گذاشت.

نامه دوم:

کمک به وحدت تعلیم

برادر عزیز، تت استیوارت،

مجله شبان به دستم رسید و از مطالعه آن فوق العاده برکت یافتم. آنچه باعث شادی من شد، این بود که همه مقالات آن حاصل نوشته های خود نویسندگان بود و نه ترجمه. خدا را برای وجود شما شکر می کنم. کار شما کمک زیادی به وحدت تعلیم در کلیساهای پراکنده ایران می کند. این نیاز مبرم کلیسای نوپای ایران می باشد که در حال رشد می باشد. خداوند شما را برکت بیشتری بدهد.

(از فرانسه)

(دنباله صفحه ۳)

خدا او را بخواند چنانکه هارون را.»

تأکید ما بر عبارت: «خدا او را می خواند» می باشد. کسی نمی تواند تصمیم بگیرد که خدمت خداوند را مانند هر شغل و حرفه دیگری پیشه خود بسازد. به عبارت دیگر این خود شخص نیست که در وهله اول به دنبال این خدمت می رود و یا خود را جلو می اندازد، بلکه خداست که به طور خاص او را برای خدمت فرا می خواند و او را در خدمتش بلند می کند. افرادی که بدون داشتن دعوت الهی و با تلاش و غیرت یا زرنگیهای انسانی وارد خدمت می شوند، در نهایت مثمر ثمر واقع نمی شوند. خادم خدا مطمئن است که خودش این دعوت را برای خود نگرفته، بلکه خدا او را در این رتبه و مقام قرار داده است.

● حال به افسسیان ۱۱:۴ توجه کنیم: «و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مشرین و بعضی شبانان و معلمین را.» اینجا تأکید بر «او بخشید» می باشد، یعنی هدیه کرد. خادمین خدا باید با فروتنی نسبت به این حقیقت یقین داشته باشند که آنها عطا و هدیه خدا برای کلیسای او می باشند.

بله، مطابق کتاب مکاشفه خادمین در دست راست خدا مانند ستارگان قرار گرفته اند (مکاشفه ۱:۲). آنچه که می تواند در دورانهای سخت و بحرانی سبب شود که خادمین روحیه خود را از دست ندهند و با دلگرمی و امیدواری خدمت خود را ادامه دهند، این طرز تفکر است که مطمئن باشند که از طرف خدا دعوت شده اند و از جانب خدا مأموریتی مستقیم به عهده آنها گذاشته شده است. بنابراین خادمین نباید خود را صرفاً در برابر تشکیلات، سازمان، انجمن و شورای کلیسایی مسؤول ببینند بلکه در وهله اول باید خود را در برابر ارباب کار و مخاطب اصلی خود، خداوند که آنها را برای خدمت خاصشان انتخاب کرده

است، پاسخگو ببینند.

● در اول قرنیتیان ۲۸:۱۲ چنین می خوانیم: «و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا و سوم معلمان و بعد...» آیا شبانان و خادمین کلیسا متوجه این موضوع مهم هستند که «خدا آنها را در کلیسا قرار داده است»، یا فکر می کنند که به طور تصادفی انتخاب شده اند یا اینکه چون اعضای کلیسا از آنها خوششان آمده، آنها را انتخاب کرده اند، یا چون روحانی تر و مقدس تر از بقیه هستند یا صدای جذاب و زیبایی داشتند برای این کار دعوت شده اند؟ بعضی ها نیز ممکن است فکر کنند چون دانش بیشتری دارند و در دانشگاه الهیات تحصیل کرده اند، برای خدمت خاص خود استخدام شده اند.

به نظر شما کدام یک از اینها عامل اصلی در انتخاب الهی می باشد؟ پاسخ این سؤال در دوم قرنیتیان ۳:۵-۶ یافت می شود: «نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست که او ما را هم کفایت داد که عهد جدید را خادم شویم.» یا در دوم قرنیتیان ۹:۱۲ می خوانیم: «فیض من ترا کافی است زیرا که قوت من در ضعف کامل می گردد.» بنابراین ما محض فیض و رحمت الهی که فوق از درک و تصور و لیاقت های شخصی ماست، دعوت شده ایم. و ما هم دقیقاً نمی دانیم چرا خداوند ما را انتخاب کرده است. پس چیزی را به خود نسبت ندهیم، مغرور نشویم و خود را برتر از دیگران ندانیم. همیشه باید به فیض خدا متکی باشیم، و این موضوع را همیشه به خاطر داشته باشیم که هیچکس نمی تواند چیزی را به دست آورد مگر آنکه از آسمان به او عطا شود (یوحنا ۳:۲۷).

بنابراین خادمین خدا باید همیشه به خاطر داشته باشند که نباید به لیاقت های شخصی، سواد و معلومات، تلاشهای انسانی، ابتکارات و تجربیات شخصی، سوابق و عناوین خدمتی

خود متکی باشند، بلکه در هر شرایطی و در هر رتبه و مقامی که هستند باید به فیض خدا متکی باشند، چنانکه کلام خدا نیز می فرماید: «چون نعمتهای مختلف داریم به حسب فیضی که به ما داده شده است...» (رومیان ۱۲:۶). وقتی شیطان می خواهد ما را محکوم کند، با اطمینان اعلام کنیم که: «کفایت ما از خداست.»

● اعمال ۲۸:۲۰ می فرماید: «پس نگاه دارید خویشان را و تمامی آن گله را که روح القدس شما را به آن اسقف (ناظر و سرپرست) مقرر فرمود و...»

من شخصاً هر وقت که در خدمت ناامید می شوم، یا خود را ناتوان می بینم، یا دچار ترس از مخالفین می شوم، و دلسردی به من دست می دهد، و وسوسه می شوم که به خاطر مشکلات مختلف خود را از مسؤولیت ها کنار بکشم، این حقیقت را به یاد می آورم که روح القدس مرا برای این خدمت مقدس مقرر فرموده است نه انسان دیگری. فکر می کنم که من به روح القدس پاسخگو هستم. مگر می توانم از انجام مسؤولیتی که او به عهده من نهاده، شانه خالی کنم یا فرار کنم؟ از طرف دیگر، روح القدس به عنوان ارباب حقیقی خدمت من مرا در این مورد آرام نمی گذارد. در چنین شرایطی وقتی به حضور او می آیم، با تسلیات مخصوص خودش مرا حمایت کرده، به من دلگرمی می بخشد و طوری در حضورش قلبم را شعله ور می سازد که نمی توانم به غیر از کار خدا به چیز دیگری فکر کنم.

در مبحث بعدی در رابطه با مفاهیم و خصوصیات مسح الهی موضوع خود را ادامه خواهیم داد. دعای من این است که خداوند مطابق آیات فوق، مسح جدیدی را در سال ۲۰۰۱ به تک تک شما خادمین عطا کند.

طرح کلی برای تهیه موعظه

از تَت استیوارت

هفت گام به سوی شفای رابطه‌ای گسسته!

رومیان ۱۲:۱۸

«اگر ممکن است، به قدر قوه خود، با جمیع خلق به صلح بکوشید.»

۱: مقدمه

خود بگذرید و تصمیم بگیرید که از عیسی پیروی کنید. شاید تقصیر با شما بوده باشد. در این مورد قلب و فکرتان را باز بگذارید و از خدا بخواهید که قلبتان را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹:۲۳-۲۴).

۲- با طرفی که مجروح شده وارد گفتگو شوید و مسؤولیت خطای خود را بپذیرید (یعقوب ۵:۱۶).

۳- انگیزه و دلیل رفتار خود را تشریح کنید. مثلاً بگویید: من در روح سلوک نمی‌کردم (غلاطیان ۵:۱۹-۲۱)

۴- از تو خیلی رنجیده بودم (مزمور ۷۳:۲۱-۲۲) به دنبال راه حل مشکلاتی باشید که باعث جدایی شما و طرف مقابل شده است.

۵- سعی کنید مشکل را از دیدگاه طرف مقابل هم ببینید. راه‌حلی بیابید که باعث شود به یکدیگر نزدیکتر از سابق شوید.

آیا در زندگی‌تان روابط گسسته‌ای وجود دارد؟ آیا در خانواده یا کلیسایان کسانی هستند که نمی‌خواهید با ایشان صحبت کنید؟ گناه همیشه باعث جدایی است. گناه ما را از خدا، از اطرافیانمان، و حتی از خودمان جدا می‌سازد. وقتی گناه باعث درگیری ما با یکدیگر می‌شود، ساده‌ترین کار، قطع رابطه است. اما خدا شفا دهنده شکستگی‌هاست و می‌خواهد که ما نیز حامل شفای او باشیم.

۲: قدرت صلیب

● برای ایجاد صلح و آشتی با خدا (رومیان ۵:۱)

● برای ایجاد صلح و آشتی با دیگران (کولسیان ۳:۱۲-۱۴)

● برای ایجاد آشتی و آرامش درونی (فیلیپیان ۴:۴-۷)

۳: هفت گام به سوی شفای رابطه‌ای گسسته

۱- خود را با فروتنی به خدا تسلیم کنید (رومیان ۱:۱۲). از حق

چند آگهی

است. جهت ابتیاع آن با نشانی زیر تماس حاصل فرمایید:

SBIC
PO BOX 24278
SAN JOSE, CA 95154
U.S.A.

● انجمن کلیساهای انجیلی ایرانی
خبر یافتیم که کلیساهای انجیلی ایرانی آمریکا جهت همکاری با یکدیگر و شهادت مؤثرتر انجمنی تشکیل داده‌اند. تأسیس این انجمن را به کلیساهای انجیلی تبریک می‌گوییم. برای کسب اطلاعات بیشتر با این شماره تلفن تماس بگیرید:

+1- 303- 873 66 11

ایرانیان

آموزشگاه کتابمقدس ایرانیان (کالیفرنیا)
آغاز دوره بهاره خود را در ماه مارس اعلام می‌دارد. در این دوره، کشیش تَت استیوارت درس «مشاوره شبانی» را تدریس خواهد کرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با این شماره تلفن تماس حاصل فرمایید:

+1-818-349 31 32

● کتاب جدید: «رویارویی با مشکلات»

کتاب جدیدی تحت عنوان «رویارویی با مشکلات» نوشته دکتر چارلز استانلی و ترجمه کشیش دکتر فریدون اسحاق به چاپ رسیده

● عهد جدید و مزامیر روی کاست

مؤسسه Audio Scriptures International
اعلام می‌دارد که تمام عهد جدید و کتاب مزامیر را به زبان فارسی بر روی کاست ضبط کرده و آماده توزیع نموده است. مؤسسه TALIM با نهایت خوشوقتی نمونه‌ای از کاست مزامیر را برای خوانندگانی که درخواست خود را به دفتر مجله بفرستند، ارسال خواهد داشت. در ضمن، تلفن و ای‌میل مؤسسه A.S.I. بشرح زیر می‌باشد:

+1- 760- 745 81 05

e-mail: asi-ca@.org

● دوره بهاره آموزشگاه کتابمقدس

(دنباله صفحه ۱)

واژه دیگر یونانی «کایروس» می باشد. طبق اسطوره های یونان، عالم هستی بر شخصی به همین نام استوار است. کایروس مرد جوانی بود با بال و گیسوانی بلند که از کنار مردمان به سرعت می دوید و هر کس فقط یک بار این فرصت را می یافت که بکوشد او را بگیرد. به همین سان، در زندگی انسان نیز فرصت هایی هست که فقط یک بار دست می دهد. شاید شما فقط یک بار فرصت داشته باشید که به دوستی شهادت دهید، یا عزیزی را تسلی بخشید. خدا هر روز فرصت هایی را بر سر راه ما قرار می دهد، اما بر ماست که مراقب باشیم آنها را از دست ندهیم. یک بار که فرصت گذشت، شاید هیچگاه آن را به دست نیاوریم.

اکنون بینیم زمان چگونه در باره ما سخن می گوید. در غلاطیان ۶: ۷-۱۰، مشاهده می کنیم که زمان چگونه سخن آغاز می کند. در آیه ۷ چنین می خوانیم: «خود را فریب مدهید؛ خدا را استهزاء نمی توان کرد، زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد.» پولس از تمثیلی از کشاورزی استفاده می کند که برای همه در آن روزگار آشنا بود. اگر تخم پیاز بکارید، پیاز برداشت خواهید کرد. ثمر کشتزار زندگی ما بستگی به تخمی دارد که در آن می کاریم.

دو بذر قدرتمند هست که هر یک از ما می تواند بکارد. یکی بذر طرز فکر ماست. در فیلیپیان ۲: ۵ می خوانیم: «پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی بود.» قلب خود را از تلخی و منفی نگری دور نگاه داریم، زیرا ما در خدمتمان کسانی را جذب می کنیم که روحیات و

طرز فکری شبیه به خود ما دارند؛ کلیسایی پر از افراد تلخ و منفی یقیناً نه فقط مردم را به سوی مسیح جذب نخواهد کرد، بلکه آنها را دور خواهد ساخت.

بذر دیگری که می کاریم، بذر کلام است. بذر کلام خدا را بکاریم. خدا به یوشع فرمود: «فقط قوی و بسیار دلیر باش تا بر حسب تمامی شریعتی که بنده من موسی تو را امر کرده است، متوجه شده، عمل نمایی. زنهار از آن به طرف راست یا چپ تجاوز منما تا هر جایی که روی، کامیاب شوی» (یوشع ۱: ۷). ما نیز زمانی کامیاب خواهیم شد که بذر کلام خدا را در زندگی خود و دیگران بکاریم.

پولس سپس ادامه داده، می فرماید: «هر که برای جسم خود کارزد، از جسم فساد را درو کند؛ و هر که برای روح کارد، از روح حیات جاودانی خواهد دروید» (غلاط ۶: ۸). زمانی که به مسیح ایمان آوردیم، طبیعتی تازه به ما داده شد، اما طبیعت کهنه از میان نرفت. وقتی در فیض رشد می کنیم، می آموزیم که به روح القدس اجازه دهیم که طبیعت کهنه ما را تحت کنترل در آورد. اما اگر تحت قدرت طبیعت کهنه خود یا به قول پولس «جسم» خدمت کنیم، نتیجه آن حتمی است: هلاکت و نابودی!

زمانی خانمی در همسایگی ما زندگی می کرد که سگ بزرگی داشت، به بزرگی یک الاغ. هر روز صبح از پنجره به بیرون نگاه می کردم و می دیدم که این خانم سگ را به پیاده روی می برد. اما مسأله اینجا بود که نمی دانستم آیا آن خانم سگ را به پیاده روی می برد یا سگ آن خانم را! به نظر می رسید که سگ هر جا می رود، خانم نیز به دنبالش می رود. برای

من و شما نیز همین سؤال مطرح است: آیا جسم را ما تحت کنترل داریم یا جسم ما را؟ آیا برای جسم می کاریم یا برای روح القدس؟ زمان این را آشکار خواهد ساخت.

پولس رسول ما را تشویق می کند که برای روح بکاریم: «هر که برای روح کارد، از روح حیات جاودانی خواهد دروید» (غلاط ۶: ۸). اما برای روح کاشتن یعنی چه؟ یعنی تصمیم بگیریم که کنترل زندگی خود را به دست روح القدس بسپاریم. پولس می فرماید: «اما می گویم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را به جا نخواهید آورد» (غلاط ۵: ۱۶). باید مطیع هدایت روح القدس شویم: «اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم» (غلاط ۵: ۲۵). اگر برای روح بکاریم، حیات جاودانی و زندگی مسیح گونه را خواهیم دروید. بدینسان، در طول زمان خصائل ما شیرینتر و ملایم تر شده، شخصیتمان کمتر و مسیح بیشتر جلوه گری خواهد کرد.

بیست سال پیش، وقتی در ایران زندگی می کردم، ماجرای یک پزشک میسیونر انگلیسی را شنیدم که شبانه روز در کردستان به بیماران خدمت می کرد. آنچه مرا تحت تأثیر قرار داد، این بود که مردم محل او را «دکتر مسیح» می نامیدند.

خدا عطا کند که هر یک از ما خادمین تا به آخر بذر مورد پسند روح القدس را بکاریم تا عطر خوشبو برای خداوند باشیم. به هر حال، از یک چیز می توانیم مطمئن باشیم: زمان در این باره سخن خواهد گفت.

تت استیوارت